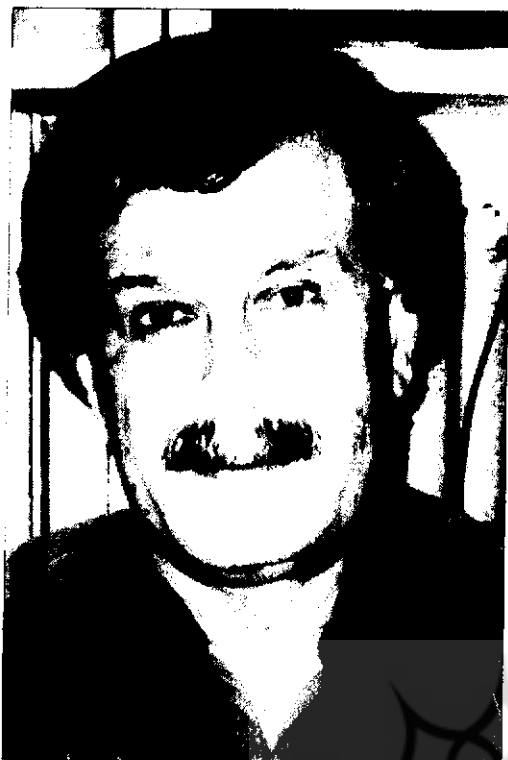


پرویشکاه علوم اسلامی مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
طاهر

● حالا حکایت ماست! / عمران صلاحی



## جریان

این روزها به جای این که مردم در جریان قرار گیرند، جریان در مردم قرار گرفته است.

## روز زن

روز زن چه روزی است؟  
روز زن، یا روز بزن بزن؟!  
پرتال جامع علوم انسانی  
پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## خسته نباشید

یک بار یکی از گویندگان رادیو گفته بود: «عزیزان شنونده، هر جا که هستید و مشغول هر کاری که هستید، خسته نباشید.»  
و ما نوشته بودیم: «شاید این عزیز شنونده در جای نامناسبی و مشغول کار ناشایستی باشد.»  
دفعه بعد که رادیو را گوش می دادیم، آن گوینده گفت: «عزیزان شنونده، در هر جای مناسبی که هستید و مشغول هر کار شرافتمندانه‌ای که هستید، خسته نباشید.»

## چراغ‌ها را من روشن می‌کنم

چراغ‌ها را من روشن می‌کنم. چراغ‌ها را من روشن می‌کنم. چراغ‌ها را من روشن می‌کنم. همان طور که فازمتر وقتی به...

می‌رسد، روشن می‌شود، این نوشت‌افزارها هم وقتی به کلمهٔ ناجوری می‌رسند، چراغشان روشن می‌شود و به نویسنده یادآوری می‌کنند که کلمهٔ دیگری انتخاب کند.

من هم یکی از این نوشت‌افزارها را خریده‌ام و دیگر خیالم راحت است. چون گاهی موقع نمی‌دانم کلمات چقدر بار عاطفی دارند و از عوارض جانبی آنها بی‌خبرم. مثلاً یک روز داشتم می‌نوشتم دیوان حافظ تصحیح غنی - قزوینی. «غنی» را که نوشتم، چراغ روشن شد. ناچار به دکتر غنی مرخصی دادم و گذاشتم فقط علامه قزوینی حافظ را تصحیح کند.

یک روز هم که داشتم دربارهٔ ادبیات عامیانه تحقیق می‌کردم، نوشتم:

آلبالو گیللاس هسته داره                      البسته هونگ دسته داره

«هسته» را که نوشتم، چراغ روشن شد. ناچار به جای «هسته» نوشتم «بسته». چون این روزها خیلی از چیزها را بسته‌ای می‌فروشدند. آن هم به قیمت دویست تومن.

یک روز هم بچهٔ یکی از بستگان از ما خواست برایش انشایی دربارهٔ «مهر مادر» بنویسیم. ما با این شعر معروف شروع کردیم:

گویند مرا چو زاد مادر                      به دهن گرفتن آموخت

به... که رسیدیم چراغ روشن شد، ناچار به جای کلمهٔ مربوطه نوشتم «سینه».

یک بار هم در راستای ادبیات کودکان نوشتیم:

اتل مستل توتوله                      گاو حسن چه جوهره

نه شیر داره نه پستون                      شیر شو بردن هندستون

باز به... که رسیدیم، چراغ روشن شد. ناچار شدیم در فرهنگ عامه و امور گاو حسن دخالت کنیم و بنویسیم. «نه شیر داره، نه شیر دون»...  
هر وقت هم می‌خواهیم بنویسیم: کانون، حزب، سازمان، تشکیلات، کارگر، دانشجو، زن، اقلیت و کلمات دیگری از این قبیل. باز چراغ روشن می‌شود.  
خوشبختانه به مدد این نوشت‌افزار، سبک نگارشمان عوض شده است و حالا داریم داستانهای اخلاقی می‌نویسیم.